

شعر زمان ما

۱۰

نادر نادرپور

شعر نادر نادرپور از آغاز تا امروز

شعرهای برگزیده

تفسیر و تحلیل موفق ترین شعرها

از

فیض شریفی



مؤسسه انتشارات نگاه

تهران، ۱۳۹۱

شریفی، فیض، ۱۳۳۰-

نادر نادریپور / از فیض شریفی.

تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۹۱.

۴۷۱ ص.

شعر زمان ما؛ ۱۰.

ISBN: 978-964-351-763-2

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیفا.

۱. نادریپور، نادر، ۱۳۰۸-۱۳۷۸ - نقد و تفسیر.

۲. شعر فارسی - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد. ۳. شعر فارسی - قرن ۱۴.

۱۳۹۱ ۸۶ ی ۳۳ الف / PIR۸۲۳۳ ۸۱۶/۶۲

۱ شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۲۶۴۶۷

شعر زمان ما (۱۰)

نادر نادریپور

از فیض شریفی

چاپ اول: ۱۳۹۱؛ لیتوگرافی: اطلس چاپ

چاپ: تاجیک؛ شمارگان: ۱۱۰۰

شابک: ۲-۷۶۳-۳۵۱-۹۶۴-۹۷۸

حق چاپ محفوظ است.

* * *

مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

دفتر مرکزی: خ انقلاب، خ شهدای زاندارمری، بین خ. فخر رازی و خ. دانشگاه، پ. ۶۳، طبقه ۵

تلفن: ۱۲-۱۱-۶۶۹۷۵۷۱۱-۸، ۳۷۷-۰۶۶۴۸۰، ۶۶۴۶۶۹۴۰، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷

www.entesharatnegah.com info@entesharatnegah.com

Email: negahpublisher@yahoo.com

فهرست

- سخن نامبر..... ۷
- پیش‌گفتار..... ۹
- زندگی‌نامه‌ای از نادر نادرپور..... ۱۱
- زمینه‌های تاریخی و اجتماعی و سیاسی و ادبی اشعار نادر نادرپور ۱۳ - دسته‌بندی بر اساس زمان و دوره‌ی تاریخی ۱۱ - بررسی تاریخی شعر رومانتیک در اروپا و در ایران ۲۳ - گونه‌های رومانتیکی شعرهای نادر نادرپور ۲۵ - قرینه‌ها و سازواره‌های شعرهای رمانتیک نادر نادرپور ۳۰ - اسم‌های ذات ۳۴ - اسم‌های معنی ۳۴ - واحدهای ترکیب ۳۶ - صور خیال در شعر نادر نادرپور ۴۱ - افعال ایستا و پویا ۴۵ - تشبیه و تشخیص در شعر نادرپور ۴۷ - آرایه کنایه‌ها ۵۱ - تلمیح (باستان‌گویی) و اسطوره ۵۶ - بافت و ساخت و شکل در شعر نادر نادرپور ۶۱ - وزن در اشعار نادر نادرپور ۶۶ - نادرپور مُلهم (تأثیرگذار) و مُلهم (تأثیرپذیر) ۷۴ - برداشت‌های معناگرایانه از اشعار نادر نادرپور ۸۰ - ۱. چشم‌ها و دست‌ها (۱۳۳۲-۱۳۲۶) ۸۴ - ۲. دختر جام (۱۳۳۳-۱۳۳۱) ۸۸ - دفتر شعر انگور (۱۳۳۵-۱۳۳۴) ۹۰ - دفتر شعر سرمه‌ی خورشید (۱۳۳۸-۱۳۳۶) ۹۳ - ۵. دفتر شعر گیاه و سنگ نه، آتش (۱۳۴۴-۱۳۳۹) ۹۸ - ۶. از آسمان تا ریسمان (۱۳۴۹-۱۳۴۵) ۱۰۲ - ۷. شام بازبین (۱۳۵۵-۱۳۵۰) ۱۰۵ - ۸. صبح دروغین (۱۳۶۰-۱۳۵۶) ۱۱۳ - شعرهای نمادین اجتماعی-سیاسی شاعر ۱۱۶ - ۹. خون و خاکستر (۱۳۶۷-۱۳۶۰) ۱۲۰ - ۱۰. زمین و زمان (۱۳۷۴-۱۳۶۶) ۱۲۰ - کشف ۱۳۰

چشم‌ها و دست‌ها ۱۳۳

رقص اموات ۱۳۹ - درود بر شب ۱۴۷ - دیوانه ۱۴۹ - یادبودها ۱۵۳ - پرده‌ی ناتمام ۱۶۲ -
چشم‌ها و دست‌ها ۱۶۶ - مرداب ۱۶۹ - سرود خشم ۱۷۱ - برف و خون ۱۷۴ - ویرانه‌ی
قرون ۱۷۷ - تک‌درخت ۱۸۰ - از پشت آتش ۱۸۲ - دیگر نمانده هیچ ۱۸۴ - دو در ۱۸۶

دختر جام (۱۳۳۳-۱۳۳۱) ۱۸۹

همزاد ۱۹۳ - آخرین فریب ۱۹۵ - دختر جام ۱۹۷ - بیگانه ۱۹۹ - نامه ۲۰۱

شعر انگور (۱۳۳۵-۱۳۳۴) ۲۰۵

طلسم ۲۰۹ - آشتی ۲۱۱ - خون آفتاب ۲۱۳ - شعر انگور ۲۱۵ - باران ۲۱۷ - گریخته ۲۲۰ -
دزد آتش ۲۲۳ - از گهواره تا گور ۲۲۵ - فریاد ۲۲۸ - پاییز ۲۳۱ - بت تراش ۲۳۴

سرمه‌ی خورشید (۱۳۳۸-۱۳۳۶) ۲۳۷

سرمه‌ی خورشید ۲۴۱ - مستی ۲۴۴ - فال ۲۴۵ - بیم سیمرغ ۲۴۶ - برف ۲۴۸ - کابوس
۲۵۱ - میدان ۲۵۳ - ستاره‌ی دور ۲۵۴ - نگاه ۲۵۶ - تهران و من ۲۵۷ - شامگاه ۲۵۸ -
فالگیر ۲۵۹ - پوپک ۲۶۱

گیاه و سنگ نه، آتش (۱۳۴۴-۱۳۳۹) ۲۶۳

چراغی از پس نیزار ۲۶۷ - سیگارها ۲۶۹ - مردی در انتظار خورشید ۲۷۰ - در انتظار
آن‌چنان روز ۲۷۳ - طلوعی در غروب ۲۷۶ - شهادت ۲۷۷ - نقاب و نماز ۲۸۰ - رویایی
در آفتاب ۲۸۴ - گیاه و سنگ نه، آتش ۲۸۷ - از نقطه تا دایره ۲۹۰ - قلب بالدار ۲۹۱ - رم
۲۹۳ - مرثیه‌ای برای بیابان و برای شهر ۲۹۵

از آسمان تا ریمان (۱۳۴۹-۱۳۴۵) ۳۰۱

از آسمان تا ریمان ۳۰۵ - ای زمین، ای گور، ای مادر! ۳۱۰ - در سایه‌ی کبود دو انگشت
۳۱۶ - رستخیز ۳۱۸ - دریاچه‌ای رو به شب ۳۱۹ - از موج تا اوج ۳۲۱ - خطبه‌ی بهاری

۳۲۲ - روح القدس ۳۲۵ - از نیمه‌ای به نیمه‌ی دیگر ۳۲۶ - نگاه عاشقانه‌ای به درخت ۳۲۸ - با چراغ سرخ شقایق ۳۳۰ - صبحانه ۳۳۲ - آهوانه ۳۳۳

شام بازبین (۱۳۵۵-۱۳۵۰) ۳۳۵
 بامدادی (۱) ۳۳۹ - بامدادی (۲) ۳۴۰ - خورشید واژگون ۳۴۱ - دری به جنون ۳۴۲ -
 شهران در تاریکی ۳۴۳ - صدایی در شب ۳۴۶ - غروبی در شمال ۳۴۸ - دورنمای شهر
 ۳۵۰ - شاعر ۳۵۱ - لب هواپیما، رودکی و من ... ۳۵۴ - از بنیشت، با حوا ۳۵۷ - سنگی
 به شکل دل ۳۵۹ - طوفان نوح ۳۶۱ - شام بازبین ۳۶۳ - دعایی در طلوع ۳۶۷ -
 خطبه‌ای برای آب ۳۶۹ - شبی در کارگاه تندیسگر ۳۷۱ - زخم نهان ۳۷۵

صبح دروغین (۱۳۶۰-۱۳۵۰) ۳۷۹
 در پشت گره کراوات ۳۸۳ - غزل (۲) ۳۸۴ - خورشید نیمه‌شب ۳۸۶ - خوابی به بیداری
 ۳۸۸ - گل و بلبل ۳۹۰ - چار درد ۳۹۱ - نامه‌ای به: نصرت رحمانی ۳۹۵ - صبح دروغین
 ۴۰۵ - چراغ دور ۴۰۸ - از «زم» تا «شدوم» ۴۱۲ - در زیر آسمان باختر ۴۱۶ - طلوعی از
 مغرب ۴۱۹ - عاشقانه ۴۲۳ - پاریس و تائیس ۴۲۶

خون و خاکستر (۱۳۶۷-۱۳۶۰) ۴۲۹
 قصه‌ی بهاری ۴۳۵

زمین و زمان (۱۳۷۴-۱۳۶۶) ۴۴۱
 مینیاتور ۴۴۵ - از اهرمن تا نهمن ۴۴۸ - خطبه‌ی زمستانی ۴۵۳ - نقطه و خط ۴۵۷ -
 زمین و زمان ۴۵۹ - شب آمریکایی ۴۶۲ - عقرب و عقربک ۴۶۶

منابع و مأخذ ۴۶۹

سخن ناشر

«من مرگ را سرودی کردم

سر سبزتر ز بیشه...»

ابامداد

... بی هیچ تردیدی مجموعه‌ی بی نظیر و پنج جلدی «شعر زمان ما» که تفسیر و تحلیل گزیده شعرهای پنج شاعر بزرگ معاصر: فیما، اخوان، شاملو، سپهری و فروغ را شامل می‌شود و طی سالیانی طولانی از سوی زنده‌یاد «محمد حقوقی» شاعر و محقق فروتن فراهم آمده بود، گنجینه‌ای گرا بهاست از شعر روزگار ما که انتشار آن با تلاش انتشارات نگاه میسر شد و جامعه‌ی ادبی اعم از روشنفکران و دانشجویان و دیگر اهالی فرهنگ از آن استقبال شایانی کردند که تجدید طبع چندباره‌ی هر کدام از مجلدات آن، گواه بارز این ادعاست. دریغ آنکه در هشتم تیرماه ۱۳۸۸ محمد حقوقی، ملک این جهانی را وانهاد به مصداق «ای بسا آرزو که خاک شده»، کار تدوین مجلدات بعدی شعر زمان ما، نافرجام ماند.

آنچه اینک برابر خواننده است دوره‌ای جدید از این مجموعه است که به‌واقع حاصل تلاش و تتبع محقق و ادیب معاصر «فیض شریفی» است که به روایت ایشان زنده‌نام «حقوقی» شش ماه پیش از فرو نهادن قلم، دوام و پیگیری و تألیف سایر مجلدات را بدو سپرده بود.

در دوره‌ی جدید، فراهم آورنده سروده‌های «سیمین بهبهانی»، «نادر نادریپور»، «سیاوش کسرائی»، «نصرت رحمانی»، «منوچهر آتشی»، «سید علی صالحی»،

«یدالله رؤیایی»، «فریدون مشیری»، «شمس لنگرودی»، «حمید مصدق» و «حسین منزوی» را مطمئن نظر قرار داده و بی آنکه صرفاً قصد تقلید از شیوه‌ی کار زنده‌یاد حقوقی را داشته باشد با روش و دیدی علمی و مدرن، با واکاوی و جستجوی برگ‌های ادبیات معاصر، ضمن تحلیل و نقد اشعار هر شاعر، به‌گزینی از سروده‌های اثرگذار شاعران مورد بحث را نیز عرضه کرده است...

«انتشارات نگاه» مفتخر است در آغاز دهه‌ی پنجم فعالیت‌های فرهنگی‌اش، در کنار چاپ آثار بزرگان ادب معاصر ایران، بار فرونده‌ی زنده‌یاد محمد حقوقی را دگر بار بر روش گرفته و با چاپ دیگر مجلدات آن که به سعی «فیض شریفی» فراهم آمده، این بار را به سر منزل مقصود برساند. به‌یقین این مجموعه همراه با تجدید طبع مجلدات پیشین، چنان‌که گفته آمد مجموعه‌ی «شعر زمان ما» را به گنجینه‌ای بی‌بدیل بدل خواهد کرد که هیچ آشنا به شعری از آن بی‌نیاز نخواهد بود...

در انتهای کلام، یادی دیگر از «محمد حقوقی» این استاد فرهیخته و شعرشناس شاخص داشته باشیم که به قول سهراب سپهری در شعر «دوست»:

«بزرگ بود

و از اهالی امروز بود

و با تمام افق‌های باز نسبت داشت...»

علیرضا رئیس‌داناویی

تهران ۱۳۹۱

پیش‌گفتار

شعر زمان ما نام عام کتاب‌هایی بود که آقای محمد حقوقی، به همت انتشارات نگاه، هر فصل یکی از مجلدات آن را منتشر می‌کرد.

شاعران بزرگ معاصر ایران که در این کتاب‌ها، شاخصه‌ها و چگونگی شعر آنان و به تقریب همه‌ی جواب کار آنان را دربرگرفته بود، نیما، اخوان، شاملو، سپهری و فروغ فرخ‌زاد، بودند.

مرگ تأثرآور و نابهنگام آقای حقوقی باعث توقف این مجموعه‌ها شد. شاید شش ماه پیش از این اتفاق غم‌انگیز بود که ایشان تلفنی از من خواست تا این کار را پی بگیرم. از آن‌جا که دکتر ایرج صف‌شکن از گفت‌وگوی نگارنده‌ی این واژگان با جناب حقوقی آگاهی داشت، این مطلب را با مدیریت انتشارات نگاه در میان نهادند و ایشان با توافقات و تفاهمات و تعهداتی که در قبال مجموعه‌های یاد شده دارند، پذیرفتند تا برای آشنایی بیشتر شاعران جوان و دانشجویان، شاعران دیگری که در ادبیات معاصر ایران تأثیر بلامنازعی داشته‌اند، مورد نقد و تحلیل و بررسی قرار گیرند.

بر همین مبنا شاعران بزرگی چون سیمین بهبهانی، نصرت رحمانی، نادر نادرپور، منوچهر آتشی، سیاوش کسرای، سیدعلی صالحی که در پیوند با شاعران گروه اول بوده‌اند، در وهله‌ی اول در نقد و تحلیلی خطی و زمانی مورد بررسی قرار می‌گیرند. به معنی دیگر به جز چگونگی سرایش شعرها و زبان شعری، درون مایه، جهان‌بینی و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آنان، ساختار شعری

و فضاهای ویژه و توانمندی‌های شاعرانه و ضعف‌های آنان، زمینه‌های سیاسی اجتماعی و تبیین و تشریح اشعار و دیدگاه شاعران و منتقدان و محققان در پایان کتاب مورد توجه قرار می‌گیرد.

طبعاً در نقد و بررسی آثار شاعران فوق‌الذکر، انتظار خواننده‌ی بیشینه‌خواه خلاق آن است که نگارنده‌ی این سطور از نگره و نرم خود و نه کپی‌برداری از محقق قبلی، شاعر را در برابر دیدگان مخاطبان قرار دهد. بر همین مبنا، در این نوشتار، بازنمونه‌ای تصویری و بوطیقای هنجارین و وزن عروضی و موسیقی درونی شعر و سبک فرودین و میانه و فخیم و سنجه‌ها و سمفونی‌های رنگین‌کمانی و عقلانیت درونی و بیرونی و کرشمه‌سازی‌های هنرمندانه شاعر و همچنین کهن‌شیورگی، میانه‌مائی و مدرن‌گونگی شاعر هم در کانون نگاه نگارنده قرار گرفته است.

بنابر همین مقدمات است که این کتاب‌ها به دو بخش تقسیم شده‌اند:

(۱) مقدمه (همه شاخصه‌های سبکی شاعر)

(۲) بدنه (به‌گزین شعرهای شاخص شاعر)

زندگی نامه ای از نادر نادرپور

نادر نادرپور (روز شانزدهم خردادماه ۱۳۰۸ ه.ش) در تهران به دنیا آمد. دوران دبستان و دبیرستان را در شهر زادگاهش سپری کرد. او به سال ۱۳۲۸ برای تکمیل معلومات خود، در زبان و ادبیات فرانسه به این کشور رفت و سه سال بعد به تهران برگشت.

در همین دوران علاقه‌ی خود را از دوران نوجوانی و جوانی به شعر و سیاست پنهان نمی‌کرد. مثل بسیاری از شاعران و نویسندگان آن ایام به عضویت سازمان جوانان حزب توده درآمد. اما او هم مثل فریدون توللی و نصرت رحمانی و اخوان ثالث و احمد شاملو و آل احمد از سیاست حزبی روی برگرداند و به شعر و شاعری پرداخت.

نادرپور در فاصله‌ی سال‌های (۱۳۲۹-۱۳۳۳) چهار مجموعه شعر انتشار داد:

۱. چشم‌ها و دست‌ها: چاپ اول، نوروز ۱۳۳۳، ناشر: صفی علیشاه، چاپ دوم، آبان ماه ۱۳۳۵، ناشر: نیل، چاپ سوم، دی ماه ۱۳۴۸، ناشر: مروارید
۲. دختر جام: چاپ اول، نوروز ۱۳۳۴، ناشر: نیل، چاپ دوم، دی ماه ۱۳۴۸، ناشر: مروارید
۳. شعر انگور: چاپ اول، نوروز ۱۳۳۴، ناشر: نیل، چاپ دوم، دی ماه ۱۳۴۸، ناشر: مروارید
۴. سر مه خورشید: چاپ اول، خرداد ۱۳۳۹، ناشر: سخن، چاپ دوم، دی ماه ۱۳۴۸، ناشر: مروارید

علاوه بر این چهار مجموعه، یک جلد برگزیده‌ی اشعار خود را انتشار داد که چاپ اول آن: خرداد ماه ۱۳۴۲، چاپ دوم: دی ماه ۱۳۴۶، چاپ سوم: دی ماه ۱۳۵۱ به همت شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، با اقبال عمومی شعر دوستان رو به روشنی شد.

افزوده بر این پنج مجموعه‌ی شعری، نادرپور تعداد زیادی از مقالات و گفت‌وگوهای او درباره‌ی شعر و ترجمه‌های فراوانی که از اشعار اروپاییان (به ویژه فرانسوی) کرده بود، در روزنامه و مجله‌های گوناگون منتشر کرد.

دو کتاب از ترجمه‌های او از سروده‌های شاعران اروپایی با همیاری چند نفر از مترجمان چاپ شده است. یادنامه‌ی هوانس تومانیان شاعر ارمنی ۱۹۲۳-۱۸۶۹، با همیاری هوشنگ ابتهاج و ر. بن. وگ خاننص (بنگاه ادبی برادران توماسیان، ۱۳۴۸) و کتاب دیگر: هفت چهره از شاعران معاصر ایتالیا نام دارد و در به‌گزین و بازگردانی آن دکتر جینا لابیولا کاروزو (همسر دکتر فرناندو کاروزو، رابرت پیشین و رئیس سابق انجمن فرهنگی ایتالیا در ایران) و آقای بیژن اوشیدری با او همکاری داشته‌اند.

نادرپور از سال ۲۷ تا ۳۲ در انتشار هفته‌نامه‌ی شرق میانه و مجله علم و زندگی به سردبیری آل احمد با فریدون توللی همکاری داشت. نادرپور، به سال ۱۳۴۳ به ایتالیا رفت و پس از فراگیری زبان ایتالیایی، بار دیگر، به فرانسه برگشت و بعد از اقامتی سه ساله در این دو کشور به ایران آمد و پنج سال را در تهران گذراند و سپس به سال ۱۳۵۰، دوباره عازم ایتالیا و فرانسه شد و در آغاز سال ۱۳۵۱ به وطن برگشت. نادرپور از دانشگاه سوربن فرانسه لیسانس ادبیات فرانسه را اخذ می‌کند. نادرپور از سالها پیش در اداره‌ی کل هنرهای زیبای سابق و وزارت فرهنگ و هنر کار می‌کرده و از سال ۱۳۵۱ نیز سمت سرپرستی گروه ادب امروز را در سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران برعهده گرفت.

نادرپور دختر فرزانه‌ای به نام پویک دارد که حاصل ازدواج نافرجام اولیه‌ی اوست. شاعر گاه به گاه از فرزند دلسوز خود در اشعارش یاد می‌کند.

نادرپور سومین مجموعه‌ی شعر خود را در سال ۱۳۵۶ به نام شام بازپسین و گیاه و سنگ نه، آتش منتشر کرد. دفتر شعر از آسمان تا ریسمان را در سال ۱۳۵۷ به دست نشر سپرد و در سال ۱۳۵۹ به تبعیدی ناگزیر گرفتار آمد و به فرانسه رفت و تا سال ۱۳۶۵ در آن جا ماند در سفر کوتاهی به ایران آمد سپس به آمریکا رفت. او دفتر شعر صبح دروغین را در سال ۱۳۶۰ و خون و خاکستر را در سال ۱۳۶۷ به چاپ رساند. نادر نادرپور در اسفندماه ۱۳۷۸ در غربت خرقه تهی کرد.

زمینه‌های تاریخی و اجتماعی و سیاسی و ادبی اشعار نادر نادرپور

برای شناخت شاعری مثل نادرپور ناگزیریم به شعر بعد از «دوره‌ی بازگشت» و سال‌هایی برگردیم که جرقه‌ی انقلاب مشروطیت در نخستین سده‌ی قرن بیستم زده شد.

در شعر دوره‌ی بازگشت شعر اجتماعی سیاسی به طور عام به دیده نمی‌آید. همه آن‌چه که موجود است تقریباً تقلید صرف از شاعران کلاسیک ادب ایران است. دو مقایسه بسیار ساده، قیاس «صبوری» پدر ملک الشعرای بهار، با خود اوست. در شعر صبوری سکوت مطلق حکمفرمایی می‌کند و در شعر بهار، پس از جرقه‌هایی که از انقلاب ستارخان و باقرخان ایجاد شد. حرکت و شورش موج می‌زند. اختلافاتی که در این میان موجود است در محدوده‌ی یازده پلانی است که در زیر ذکر می‌کنیم:

۱. مخاطب شعر از پادشاهان به توده‌ی مردم برمی‌گردد.
۲. تغییر زبان از دربار به کوچه و بازار روی می‌کند.
۳. سطح شعر به علت مردمی شدن نزول می‌کند.
۴. شعر از تکلف و تصنع خارج می‌شود و ساده و روان می‌شود.
۵. شعر از محتویات تکراری تغییر می‌کند و وسایل روزمره را دربرمی‌گیرد.
۶. آثار اروپاییان در زمینه‌ی شعر و ادب ترجمه می‌شود.
۷. در فرم بیان شعر مشروطیت به کوچه و بازار می‌آید.

۸. شعر از حالت و وضعیت تسلیم خارج می شود و به سلاحی برنده علیه استبداد تبدیل می شود.
۹. بشردوستی و عشق به تهدستان و بی اعتنائی به طبقه ی حاکم و تعهد شاعران مطرح می شود.
۱۰. عشق به وطن و آزادی زنان و آرزوی اعتلای ایران بیش از پیش برجسته می شود.
۱۱. تشتت آراء و نظریات در برخورد با مسائل سیاسی کشور برای فرار از استعمار روس و انگلیس و در واقع نوعی حس ناسیونالیستی در شعر پیش کشیده می شود.
- شاعر گذشته از این عواطف و احساسات شخصی خود را بازتاب می دهد و «من» انسانی و اجتماعی خود را در شعر انعکاس می دهد.
- از اوایل قرن بیستم، رموزی برجوبی به انحاء مختلف در کتاب ها و مجلات و روزنامه ها سایه می زند. به ادبیات کلاسیک حمله می شود. در همین زمان در حوزه نثر آخوندزاده در نمایش نامه ی «تمثیلات» طالبوف در «کتاب احمد» و کتب دیگر خود، زین العابدین مراغه ای در «سیاحت نامه ی ابراهیم بیگ» آثار مدرن و انتقادی می سازند که در جامعه آن روزگار تأثیرات بسیار زیادی بر جای می گذارد.
- دوران مشروطیت تجربه ی تازه ای برای شعر بود که از لحاظ معنوی، تحولاتی ایجاد کرد ولی از لحاظ صوری قالب شعر تغییری محسوس نداشت. در سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۵ عده ای از فضایی جوان: «رشید یاسعی، بهار، سعید نفیسی» انجمنی پدید آوردند به نام دانشکده که مرام نامه اش این بود که باید از میراث ادب قدیم محافظت کنیم و معانی را با شکلی نو به نمایش بگذاریم. مقارن این زمان هم در تبریز مجله ای به نام «آزادی» چاپ می شود و همچنین مقالاتی در تجدد طلبی نیز مشاهده می شود. بین حامیان «آزادیستان» و «مجله ی دانشکده» مناقشاتی در می گیرد که به نوعی این درگیری های قلمی، پایه گذار و مبنای نقد ادبی جدید می شود.